

آنها پیرامون پیشرفت جریان اصلاحات کم‌اثر نخواهد بود، اما ما باید به سمتی حرکت کنیم که وابسته به افراد و اشخاص نباشیم و خرد جمعی و تشکیلات کار کند؛ شاید یکی از هدف‌های اصلی که در این فکر جدید دنبال می‌شود این است که ما بتوانیم از این مرحله اتکای جریان به «شخصیت» عبور کرده و به مرحله «تشکیلاتی» برسیم؛ ضمن اینکه در هیچ‌کجای دنیا نقش شخصیت‌های کاریزما قابل‌انکار نیستند، حتی در جایی که دیموکراسی خیلی پیشرفت کرده و تشکیلات و احزاب خیلی خفلی‌طور هستند باز هم نقش افراد را نمی‌توان نادیده گرفت؛ ما باید به یک ترکیب متناسبی از شخصیت‌های اثرگذار و تشکیلات موثر برسیم. **چقدر اعمال محدودیت‌های بیشتر و سختگیری به آقای خاتمی به عملکرد اصلاح‌طلبان برمی‌گردد که همه تخرم‌غ‌غ‌های خود را در یک سید چیده‌اند و این امکان را فراهم آورده‌اند یا محدودیت‌ایشان به یک جریان ضربه وارد شود؟**

این طور نیست و این اتفاق نخواهد افتاد؛ آرایش سیاسی کشور ما، با توجه به شخصیت‌های مختلفی که وجود دارند و تشکیلات موجود نشان داده این اتفاق نخواهد افتاد؛ اگر قرار بود چنین اتفاقی بیفتد بعد از سال ۸۸ اتفاق می‌افتاد اما ما می‌بینیم که باوجود همه گرفتاری‌ها و مشکلاتی که بود این درخت ریشه‌کن نشد و حتی در این جریان قوی‌تر هم شد، بنابراین اصلا نباید این نگرانی را داشت که محدودیت بیشتر یا کمتر آقای خاتمی تفاوتی در این وضعیت اصلاح‌طلبان داشته باشد، ضمن اینکه روحیه جامعه ما به‌گونه‌ای ست که ضامن این احسان‌کنند کار می‌کنند و شاید شده اثر گذاری آن در جامعه بیشتر شود، مگر در طول چندسال گذشته آقای خاتمی چه کاری انجام دادند؟ یک عده را دور هم جمع کرده‌اند، آن عده هستند و کار می‌کنند و شاید بار اصلی هم روی دوش آنها بوده است، آقای خاتمی از نفوذ کلمه خود استفاده کرده و پیامی چند دقیقه‌ای برای انتخابات داده یا مطلبی را بنوعی به جاهای دیگر منتقل کرده است. آقای خاتمی این نقش را همیشه داشته‌اند که به نظرم هیچ‌گاه قابل‌گرفتن نیست.

**نقد شخص شما به شورای سیاستگذاری چیست؟ آیا انتقادات خود را مطرح کرده‌اید؟**

نقدهایی که ما داریم شاید ندهه‌هایی باشد که فرار از آن امکان‌پذیر نیست. یکی از ندهه‌های مهم شفافیت‌است؛ اینکه چقدر در چه فرآیندی به این‌کандیدها یا برنامه‌ها رسیده‌ایم؟ بسیاری از این عملکردها در شرایط خاص سیاسی \_اجتماعی که مادر کشور داریم امکان‌ناظر و برداخته به آن وجود ندارد به دلیل آنکه ممکن است به‌نوعی دست‌اویز قرار می‌گیرد و به کلیت جریان اصلاح‌طلبی ضربه وارد شود، اما این به‌معنای آن نیست که در درون خود جریان به آن پرداخته نشده‌است؛

یکی از مسائل موجود این است که نحوه تصمیم‌گیری چگونه‌است؟ نحوه‌ورود به انتخابات چگونه‌است؟ این مسائلی است که وجود دارد و ما مجبوریم در درون خودمان برای ضربه نخوردن به کلیت جریان یک مقدار شفافیت‌ها را کنار بگذاریم که شاید ایراد و عیب وجود دارد، اما عیبی است که شاید در شرایط فعلی گریزی از آن وجود نداشته باشد. در درون جریان اصلاحات می‌توان این ایراد را گرفت که بسیاری از شخصیت‌ها هستند که سابقه، تأثیرگذار، فکر اصلاح‌طلبی آنها و هزینه‌ای که برای جریان اصلاحات دادند بسیار بیشتر از کسانی باشد که الان در دستور امر جریان اصلاحات قرار دارند، اما همه می‌دانیم که بروز و ظهور یکسری کشور تنشا‌ها و مشکلات دیگری می‌شود که شاید بهتر باشد به آنها وارد نشویم. این مشکلات همه وجود دارد، جریان اصلاحات نمی‌تواند از همه نیروها و توان خود استفاده کند، این محدودیت‌ها منجر به این می‌شود در تصمیمات و برنامه‌هایی که عملیاتی و اجرایی می‌کنیم ایده‌آل‌های ما در آن خیلی کم‌رنگ شود، فکر می‌کنم جبر نام‌است که خیلی از آنها را به تحمل شده‌است و مجبوریم به‌تدریج به‌آن بپردازیم تا عیوب ما کمتر و کمتر شود.

**عدم شفافیت موضوع انتقادات بسیاری عملکرده شورای سیاستگذاری بعد از انتخابات بود. به‌گفته شما در مواردی ناچار به اعمال عدم‌شفافیت برای ضربه‌نخوردن به اصل جریان اصلاح‌طلبی هستیم اما اگر این روند اصلاح نشود و در انتخابات بعد هم با همین محور و بنا عدم شفافیت جلو بروند آیا بدنه اصلاح‌طلب نامید نمی‌شود؟**

همان‌طور که گفتیم این یک ایراد است و درحال پرداختن به این ایراد هستیم، امیدواریم در مراحل بعدی عیوب ما کمتر و کمتر شود. همه به این فکر می‌کنند و مخطص به این جریان نیست همه فکر می‌کنند که چطور می‌شود مشکلات را کم‌کرده، در گفت‌وگوا، صحبت‌ها و برنامه‌هایی که وجود دارد امیدواریم به‌نتیجه واحدی برسیم که بتوانیم وضعیت بهتری در این موضوع داشته باشیم.

**مسئله دیگر بحث نظارت شورای سیاستگذاری بر خروجی و تصمیماتش است و اینکه آیا شورا پاسخگویی عملکرد تصمیمات خود باید باشد یا اساسا شورای سیاستگذاری، نمی‌تواند بر اجرای تصمیماتش نظارت کند؟**

این یکی از اشکالات موجود است، بخشی از نظارت امکان‌پذیر نیست، زیرا هیچ‌یک از ما اخلاقی تشکیلاتی لازم را نداریم حتی در درون

احزاب! وقتی نگاه می‌کنیم افراد حزبی هستند که به قواعد پایبند نیستند؛ ما تمرین کار حزبی نکرده‌ایم، این مسائل آموزش و تمرین می‌خواهد، این‌طور نیست که چهار نفر دور هم جمع شویم و بگوییم اخلاق تشکیلاتی داشته باشیم و هر چه جمع تصمیم گرفت عملیاتی می‌کنیم. بسیاری از معیارهای دیگر برای ما مطرح است که براساس آن عمل می‌کنیم.

ضمن اینکه بگوییم بسیاری از کسانی که وارد این جریان شده‌اند ممکن است به خاطر فشارها و مسائل گوناگونی که در برابر آنهاست به مصلحت‌اندیشی‌هایی روی بیاورند. مگر ساختن قدر آقای مطهری و صادق‌ی‌چند برای افراد یکسری

مصلحت‌اندیشی‌هایی وجود دارد؛ خیلی از آنها هم خوب عمل می‌کنند اما ممکن است وقتی مقایسه می‌کنیم، بگوییم که شما که با لیست اصلاحات به مجلس رفته‌اید یا در دولت یا مکان‌های دیگر چرا این‌طور در برابر مسائل مختلف عکس‌العمل نشان می‌دهید؟ بنابراین باید بپذیریم که وقتی تشکیلات قوی‌ای نداریم و بنا ائتلاف وارد می‌شویم معیارهای ما برای اینکه افراد موفق هستند یا موفق نیستند، متفاوت خواهد بود. دومین مسئله‌ای که در اینجا از نظر نظارت وجود دارد این‌است که ما سازوکار نظارت را طراحی نکرده‌ایم و شاید فرصت نداشته‌ایم؛ یعنی ما دور هم جمع شدیم و بلافاصله چند انتخابات پشت‌پشت هم داشته‌ایم و باید کاندیدا معرفی می‌کردیم؛ مشکلات و موانعی سسر راه ما بوده که باید آنها را می‌سنجیدیم و پیگیری می‌کردیم، اما وقتی ما وارد ائتلاف می‌شویم لزوما یک برنامه ندارد، برنامه‌اش این است که نگذار همه‌چیز از دست برود، کشور از دست برود، سقوط کند، فرض کنید آن زمان تحریم‌ها بود یک زمانی خطر جت بود و نجات کشور بود، ما برنامه‌ای که در آن قرار دادیم و فرنگ همه روی آن گذاشته بودیم، باید داشتیم و نمی‌توانیم داشته باشیم؛ برای اینکه در طیف‌های اصلاحات تفاوت نظر زیادی در مسائل ساده‌تری مانند اقتصاد وجود دارد چه برسد به فرنگ و مسائل دیگر. بنابراین وقتی برنامه‌ای ندارید امکان این را هم ندارید که ارزیابی و نظارت انجام دهید؛ نه اینکه بی‌برنامه باشیم بلکه برنامه کاملی که بتوانیم این را ارزیابی کنیم؛ شاید یکی از موضوعاتی که در تشکیلات جدید شورای سیاستگذاری دنبال آن هستند برای این باشد که یک امر نظارتی هم وجود داشته باشد و بتواننداز کسانی که منتخب جریان اصلاحات هستند درون حکومت می‌روند بخواهند از تباط محکم‌تری داشته باشند و بتوانند مسائل و برنامه‌ها را مرور کنند و مانع از این شوند که خیلی افراد فارغ از آن برنامه‌ها، آن کاری که خودشان می‌خواهند انجام دهند.

**این بحث نظارت شورای سیاستگذاری فراتر از ميثاق نامه‌ای خواهد بود خود افراد گرفته‌است؟**

در نوشته و حرف نیست؛ اما فرض کنید که یک نفر را در شورا یا مجلس فرستادید و عمل کرد، مثلا شما در نظر سیاستگذاری تصمیم گرفتید که به این وزیر رای بدهید و یک نفر گفت که نه من بین خودم و خدای خودم به این نتیجه رسیدم که نباید به این رای بدهیم، چه کار می‌خواهید بکنید؟ مثلا می‌خواهید آن را از فراکسیون امید خارج کنید؟ در این صورت مگر چه اتفاقی می‌افتد؟ ما مجبوریم در زمان ائتلاف دایره وسیعی از عملکرد برای افراد قائل شویم. برخی مسائل مهم ممکن است وجود داشته باشد که ما بگوییم همه باید در این مسائل پایبند باشند. اما اگر واقعا یک نفر به این نتیجه رسیدند که فلان وزیر رای بدهد یا خیر یا این وظیفه شورای سیاستگذاری یا فراکسیون امید است که وارد شود.

**آیا با نظرات دقیق آنها حل می‌شود؟**

من خاطرم است که وقتی در مجلس ششم بودیم، در حزب مشارکت بودیم و انسجام داشتیم اما باز هم در داخل خودمان می‌دیدیم که یک نفر علیه وزیري که از مشارکت بیرون می‌آید، سخنرانی می‌کند و علیه آن رای جمع می‌کند. اینها بازمی‌گردد به آنکه ما تمرین و آموزش، حزبی نداشته‌ایم. به‌هر حال یکی از عیوبی که در مورد این جریان ائتلاف اصلاح‌طلبی وجود دارد، نظرات است. البته این را بگوییم بخشی از آن برمی‌گردد به ناچاری. در لیست تهران ما حتی غیراصلاح‌طلب گذاشته شد این در لیست شهرستان‌ها غیراصلاح‌طلب هم گذاشتیم زیرا فکر می‌کردیم بهتر است بجای آدم تندرو یک آدم معتدل تر وارد مجلس شود. اگر اصلاح‌طلب هم نبود، نباشد؛ عقید اقتضا می‌کند، در این شرایط خاص شما گفتید که هر کسی که اصلاح‌طلب بود آن را در لیست می‌گذاریم تا بدتر تریز پیدا نکند.

**جداز این بحث‌های نظارتی یا اینکه فرد اصلاح‌طلب یا محافظه‌کار معتدل است یکسری مشکلات دیگری به‌وجود آمد که یا پاهای و اساسی بود، یعنی فردی از طرف اصلاح‌طلبان به مجلس رفت که در سخنان یا عملکردش ضربه به کل جریان اصلاح‌طلب زد و انتقادات گسترده‌ای علیه اصلاح‌طلبان به راه‌انداخت. آن جمله مشهور «سرفه انقلاب» که هنوز هم بحث آن در جامعه وجود دارد از سوی فرزند فرستای بود که از اصلاح‌طلبان قدیمی‌است اما این شائبه را به‌وجود آورد که فقط به‌خاطر آن که فرزند آن اصلاح‌طلب قدیمی‌است، وارد لیست شده است؛**

**این اتفاقات در شورای سیاستگذاری قابل پیشگیری نبود؟**

من واقعا در جریان بستن لیست مجلس نیستم و نمی‌دانم این افراد چگونه وارد لیست شدند، این را باید کسانی که تصمیم گرفتند، عنوان کنند، اما مگر قرار است همه ما معصوم باشیم؟ آن چیزی که می‌گوییم معیارهای اصلاح‌طلبان است را همه رعایت می‌کنیم؟ مگر من یا شما

و افراد دیگری که خودمان را اصلاح‌طلب‌ناب می‌دانیم به همه‌اصول اصلاح‌طلبی پایبند هستیم؟ این‌طور نیست، در آن اجتهاد می‌کنیم و سلاقی خودمان را اعمال می‌کنیم. قرار نیست ما در عالم سیاست

مطلق‌نگری کنیم و بگوییم هر کسی وارد لیست شد حتما باید اینگونه باشد. اصل اصلاح‌طلبی این است که این تنوع را پذیرفته است، اما اینکه آیا ما بهتر از این نمی‌توانستیم عمل کنیم؟

تردید نیست که می‌توانستیم، اینکه آیا روابط شخصی، فامیلی و روابط دیگر وارد نشده است، حتما وارد شده است. این بر نمی‌گردد به اینکه بگوییم این نقص خاصی است که بسیار راحت می‌توان آن را برطرف کرد، به‌هر حال وقتی تشکیلات ندارید، می‌خواهید در جایی استاندارد بگذارید، باید کسی را که می‌شناسید، بگذارید، کسی که با شما کار کرده و با آن رفیق بوده‌اید و به آن اعتماد و اعتقاد دارید را باید بگذارید. این برمی‌گردد به نقص ساختاری سیاسی کلان در کشور ما که مختص ما (اصلاح‌طلبان) نیست و اصولگراها هم این مشکل و گرفتاری‌ها را دارند، بنابراین اگر انتظار داریم در یک انتخابات همه این‌ها مواضع خود را بشود و رابطه فامیلی، آشنایی، حزبی و.. نباشد امکان‌پذیر نیست. ما تا مدت‌ها این گرفتاری‌ها را خواهیم داشت اما باید تلاش کنیم که آن کم کنیم.

**حتی عنوان شد که افراد پول گرفتند و در لیست رفتند!**

این‌ها دروغ محض است، هیچ‌یک از این حرف‌ها نبوده‌است. ما متأسفانه درگیر دوچیز شدیم. یکی درگیر خودخواهی بعضی از افراد خودمان که وقتی به هر دلیلی در لیست قرار گرفتند، موضوعی که واقعیت نداشتش را شایعه کردند. دوم هم درگیر دامی که طرف مقابل برای ما پهن کرد. من به ضرس قاطع می‌گویم که نه در انتخابات مجلس و نه در انتخابات شوراها اصلا چنین چیزی می‌باشد که کسی بگویند پول بده تا در لیست باشی، نبوده است. ممکن است عنوان شده باشد که انتخابات خرج دارد و شما چه‌قدر کمک می‌کنید؟ این امری بدیهی ست، اما اینگونه نبوده که اگر پول ندهد در لیست قرار نمی‌گیرد. اگر هم مواردی بوده که دیگری گفته بود بده تا در لیست باشی، هیچ‌یک از آنها دخالتی در بستن لیست نداشتند.

**یعنی عضو شورای سیاستگذاری نبودند؟**

بله! معیارها برای انتخاب درست نبود و حتی ممکن است کسی سفارش فرد دیگری را کرده باشد که برای مثال این آدم خوبی است، اما اینکه پول یا منافع شخصی خود را در نظر گرفته باشند، به هیچ‌وجه صحت ندارد و با کمال یقین می‌گویم که در هیچ موردی از این موارد نه مسئله پول، نه وعده‌های بعدی و نه در لیست شوراها و نه در لیست مجلس وجود ندارد.

**نکته بعدی درباره برخی انتقادات در خصوص کادرسازی اصلاح‌طلبان است. برخی معتقدند اصلاح‌طلبان به‌قدری دستشان خالی بوده و آندرد این سال‌ها کادر سازی نکرده‌اند و عضو نداشتند که حتی یک‌جایی آمدند از اصولگراها در لیست گذاشتند و جاهایی سبک آوردند گفتند هر که رزومه دارد بفرستد ما انتخاب کنیم، آیا این ضعف به اصلاح‌طلبان بازمی‌گردد؟**

این موضوع را قبول ندارم. امروز اگر اجازه بدهند ما ده دولت قاطع اصلاح‌طلبی و چندین مجلس قوی اصلاح‌طلبی می‌توانیم تشکیل دهیم. ما نیروی متخصص زیاد داریم دارم. منظور نیروهای نسل شما نیست. نیروهای نسل بعد از شماست! تربیت شده‌اند و نسل بعدی می‌توانند.

**نسل بعدی که بعد از پدرانشان سر کار می‌آیند؟**

خیر! این‌طور نیست که نیرو نباشد، اما اجازه ورود به این نیرو نمی‌دهند. بله، مشکلات فراوان است و فشارهایی که بوده هم باعث افت ما شده است، اما این‌طور نیست که ما نیرو نداشته باشیم. سال ۸۸ که بعد تشکیلات حزبی هم پاشید اما چه‌قدر نیرو بالا آمد؟ من نمی‌خواهم بگویم جریان اصلاحات این کار را کرده، کار کل کشور بود. جریان اصلاح‌طلبی با فطرت مردم هماهنگ است. اکثریت اصلاح‌طلب هستند و خودشان را به‌نوعی وابسته به جریان اصلاحات می‌دانند. اصلا اینگونه نیست که ما نیرو نداشته باشیم و مجبور باشیم دستمان را دراز کنیم که هر که رزومه دارد برای ما بفرستد. ما نیروهای خوبی داریم اما اجازه داده نمی‌شود که نیروهای اصلاح‌طلب کار کنند.

شما درصاحب‌ها را ببینید! چاره‌ای برای ما باقی نگذاشته‌اند و مجبوریم از همین موجودی بهترین‌ها را انتخاب کنیم. سیستم انتخابات کشور به‌گونه‌ای شده که هر کسی یک عکس‌العملی نشان دادر بنا جایی حرف زده یا خودی نشان داده دیگر اجازه ورود پیدا نمی‌کند. ما مجبوریم به این مکانیزم‌ها و بیابوریم تا در میان افراد، کاندیداها را شناسایی کنیم و آنهایی که بهتر هستند انتخاب کنیم. در

این میان هم ممکن است اشتباهات زیاد باشد. به‌تازگی آقای نبوی از سهم‌خواهی‌های برخی اصلاح‌طلبان از دولت روحانی، شکایت کرده بودند و گفته بودند که نسبت ما با دولت روحانی مانند نسبت ما با دولت رئیسی می‌تواند باشد. اما با توجه به حمایت گسترده‌های که اصلاح‌طلبان از روحانی کردند، عملکرد آقای روحانی متقابلا پای اصلاح‌طلبان نوشته می‌شود و در صورت عدم‌موفقیت این دولت، آیا ضربه بدی به جریان اصلاحات نمی‌خورد؟ یعنی ما از ایشان هیچ توقع و سهم‌خواهی نداریم، اما چه‌قدر عملکرد آن به پای اصلاح‌طلبان نوشته می‌شود و چه‌قدر منجر به ریزش بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان و سسر مایه اجتماعی‌شان نوشته می‌شود؟

هم ما خوب می‌دانیم و هم طرف مقابل ما که اگر دولت آقای روحانی موفق نشود، ضربه بسیار بزرگی به جریان اصلاحات خواهد خورد، بنابراین آنها هم همه همت‌شان را گذاشتند تا دولت را موفق نشود. به‌هر حال هم انتقادات جدی به دولت و شخص آقای روحانی وارد است، این مسئله شخصی و پست‌خواهی و سهم‌خواهی نیست، موضوع سر یک جریان سیاسی اصل کشور است که مردم به آن اعتماد کردند و براساس آن اعتماد، این دولت، مجلس و شورا را انتخاب کردند. اگر قرار باشد پس از چهار سال بگوییم نشد، مردم هم می‌گویند پس نخواهد شد، ما تاکنون از جریان اصولگرایان بریده بودیم و در جریان اصلاحات دل بسته بودیم اما جریان اصلاحات هم می‌گوید که نشدند، اصلاحات می‌گوید که ما فلائی و فلائی را داریم که اجازه حضور ندارند و فقط به همین آقایان روحانی، عارف، جهاگیري و… اجازه ورود می‌دهند که اینها هم می‌گویند نشد. کسانی که در مجلس هستند می‌گویند نشد، آنهایی که در دولت هستند می‌گویند نشد، پس اصل‌نمی‌شود. وقتی نمی‌شود ما باید فکر دیگری بکنیم. شما ببینید اتفاقاتی که اخیرا رخ می‌دهد اعم از جریانات اجتماعی \_اقتصادی، و جمعات و حوادث جنایی؛ به‌نوعی منعکس‌کننده ناامید شدن مردم است.

**چرا سال گذشته اینها خیلی کمتر بود؟ برای اینکه مردم امید داشتند و گفتند دولت جدید و مجلس جدید می‌آید و مملکت سروسامان می‌گیرد و به دردمان می‌رسند، اما می‌بینند نه تنها بهتر نشد شاید بدتر هم شده است.**

مردم نه عاشق چشم و ششم و ابروی اصلاح‌طلبان هستند نه اصولگراها! آنها خواستار بهبود وضعیت زندگی‌شان هستند. حال این بهبود وضع زندگی برای هر کسی تعریف خاصی دارد. مردم عادی کوجه باز یک جور تعریف می‌کنند، روشنفکران طور دیگر! دانش‌جویان به نوعی، روزنامه‌نگاران و افراد دیگر نیز یک‌جور دیگر می‌بینند. بنابراین این خیلی اشتباه است که فکر کنیم یک دولت یا مجلس تعیین کردیم و دیگر به ما مربوط نیست.

اما صحبت آقای نبوی ناظر به چیز دیگری است. ناظر به سهم‌خواهی بود و کاملا حرف ایشان درست است. ما همه با این پدیده روبه‌رو هستیم. واقعا آدم را ذله می‌کنند، رزومه می‌فرستند، زنگ می‌زنند و پیغام می‌دهند که در فلان ستاد کار کرده‌ایم و می‌خواهیم این کاره یا آن کاره ششویم. اگر اصلاح‌طلبان هیچ‌گاه دنبال سهم‌خواهی نبودند، اگر ما راجع به وزیر علوم می‌گوییم که باید یک اصلاح‌طلب گذاشته شود، به‌معنای سهم‌خواهی نیست. به این دلیل است که اگر شما از نیروی اصلاح‌طلب استفاده کنید، جوانان ما همه ناامید می‌شوند. وقتی می‌گوییم وزیر کشورتان باید این‌گونه باشد یا این‌گونه عمل کند، به این دلیل است که دولت بیشتر از مردم فراد در شهری مانند یزد، استانداری آذری منصوب نشود. آخر این چه سیاستی است؟ البته ما نمی‌گوییم چه کسی را بگذارند و چه کسی را خیر. اما انتظار این است که این مسائل درک شود، ما نمی‌گوییم به ما سهم بدهید، می‌گوییم شما با یکسری برنامه‌ها، شعارها و پشتوانه‌های خاص، طوری باید عمل کنید که این پشتوانه‌ها آسیب نبینند. آقای روحانی یا این مجلس، چهار سال دیگر نخواهند بود اما جریان اصلاح‌طلبی هست و با مردم سروکار دارد.

اکنون دیگر آقایان خاتمی، نبوی، کروبی، موسوی و هیچ‌یک از کسانی که در مجلس و دولت بودند، دیگر داعیه برکنشست به قدرت ندارند. نه قصد دارند رئیس‌جمهور شوند و نه وزیر و وکیل، اما داعیه‌ای اصلاح‌کنشور را دارند و خود را در جریان اصلاحات تعریف می‌کنند. اتفاق بسیاری از کسانی که دنبال پست و مقام هستند حال چه در جریان اصلاحات و چه جریان‌های دیگر آدم‌های به درد بخوری نیستند.

**برنامه شما مشخصا چیست؟**

این برمی‌گردد به سازمان‌های سیاسی‌ای که داریم. من اینجا مصاحبه می‌کنم و مطالبات را می‌گویم آن سازمان‌های سیاسی‌ای که هستند آنها باید براساس تشکیلاتی بودن مطالبه‌محور باشند.

کدام سازمان اکنون که سازمان یا حزب قوی و مقتدری وجود ندارد. همین نیمه‌احزاب، رسانه‌ها و… که وجود دارند. به‌هر حال ما هم بدون تشکیلات نیستیم. ما باید از مجلس و دولت آقای روحانی حمایت کنیم، اما حمایت

مطالبه‌محورا آقای روحانی شما در انتخابات این وعده‌ها را دادید، اصلا برای من مهم نیست وزیر چه کسی بشود و مهم نیست استاندار چه کسی باشد اما این قول‌ها را دادید و اینها باید اجرا بشوند. البته ما باید این را در نظر داشته باشیم که به ما همچ‌وجه این مطالبه‌محوری ما سبب این نشود که جریان مقابل که به خون دولت تشنه است، بتوانند میدان‌داری کند و آن کورسوهای امیدی که در اینجا وجود دارد را بسته و از بین ببرد.

**با این اوصاف شرایط بسیار پیچیده شد. طبق توضیحات جنابعالی باید طوری عمل کنیم که هم مطالبه‌محور باشیم، هم دولت ضربه نخورد، هم سهم‌خواهی نکنیم تا رسانه‌ها و شخصیت‌های طیف اصولگرا سوءاستفاده نکنند و هم از طرف دیگر باید طوری عمل کنیم که مردم ناامید نشوند. دقیقا باید چه کاری انجام داد؟**

شرایط حساس همین است. شرایط خیلی پیچیده‌ای داریم. گرفتاری‌ها زیاد است و مشکلات زیادی روی ما فکر می‌کنم فعلا چاره‌ای نداریم. باید منافع شخصی، حزبی و گروهی را فدای منافع ملی کنیم، اگر این کار را انجام دهیم می‌توانیم به نتیجه برسیم. البته

هزینه هم دارد و این‌طور نیست که بدون هزینه باشد. اما وقتی روند اوضاع را در داخل کشور حاذقل در طول ده سال گذشته مقایسه می‌کنم، امروز شرایط ما ...**نمایشد امکان‌پذیر نیست، ما تا مدت‌ها این گرفتاری‌ها را خواهیم داشت**

**اگر انتظار داریم در یک انتخابات همه این اصلاح‌شود و رابطه فامیلی، آشنایی، حزبی و... نباشد امکان‌پذیر نیست، ما تا مدت‌ها این گرفتاری‌ها را خواهیم داشت**

بر جریان اصلاحات دل بسته بودیم اما جریان اصلاحات هم می‌گوید که نشدند، اصلاحات می‌گوید که ما فلائی و فلائی را داریم که اجازه حضور ندارند و فقط به همین آقایان روحانی، عارف، جهاگیري و… اجازه ورود می‌دهند که اینها هم می‌گویند نشد. کسانی که در مجلس هستند می‌گویند نشد، آنهایی که در دولت هستند می‌گویند نشد، پس اصل‌نمی‌شود. وقتی نمی‌شود ما باید فکر دیگری بکنیم. شما ببینید اتفاقاتی که اخیرا رخ می‌دهد اعم از جریانات اجتماعی \_اقتصادی، و جمعات و حوادث جنایی؛ به‌نوعی منعکس‌کننده ناامید شدن مردم است.

**چرا سال گذشته اینها خیلی کمتر بود؟ برای اینکه مردم امید داشتند و گفتند دولت جدید و مجلس جدید می‌آید و مملکت سروسامان می‌گیرد و به دردمان می‌رسند، اما می‌بینند نه تنها بهتر نشد شاید بدتر هم شده است.**

مردم نه عاشق چشم و ششم و ابروی اصلاح‌طلبان هستند نه اصولگراها! آنها خواستار بهبود وضعیت زندگی‌شان هستند. حال این بهبود وضع زندگی برای هر کسی تعریف خاصی دارد. مردم عادی کوجه باز یک جور تعریف می‌کنند، روشنفکران طور دیگر! دانش‌جویان به نوعی، روزنامه‌نگاران و افراد دیگر نیز یک‌جور دیگر می‌بینند. بنابراین این خیلی اشتباه است که فکر کنیم یک دولت یا مجلس تعیین کردیم و دیگر به ما مربوط نیست. اما صحبت آقای نبوی ناظر به چیز دیگری است. ناظر به سهم‌خواهی بود و کاملا حرف ایشان درست است. ما همه با این پدیده روبه‌رو هستیم. واقعا آدم را ذله می‌کنند، رزومه می‌فرستند، زنگ می‌زنند و پیغام می‌دهند که در فلان ستاد کار کرده‌ایم و می‌خواهیم این کاره یا آن کاره ششویم. اگر اصلاح‌طلبان هیچ‌گاه دنبال سهم‌خواهی نبودند، اگر ما راجع به وزیر علوم می‌گوییم که باید یک اصلاح‌طلب گذاشته شود، به‌معنای سهم‌خواهی نیست. به این دلیل است که اگر شما از نیروی اصلاح‌طلب استفاده کنید، جوانان ما همه ناامید می‌شوند. وقتی می‌گوییم وزیر کشورتان باید این‌گونه باشد یا این‌گونه عمل کند، به این دلیل است که دولت بیشتر از مردم فراد در شهری مانند یزد، استانداری آذری منصوب نشود. آخر این چه سیاستی است؟ البته ما نمی‌گوییم چه کسی را بگذارند و چه کسی را خیر. اما انتظار این است که این مسائل درک شود، ما نمی‌گوییم به ما سهم بدهید، می‌گوییم شما با یکسری برنامه‌ها، شعارها و پشتوانه‌های خاص، طوری باید عمل کنید که این پشتوانه‌ها آسیب نبینند. آقای روحانی یا این مجلس، چهار سال دیگر نخواهند بود اما جریان اصلاح‌طلبی هست و با مردم سروکار دارد.

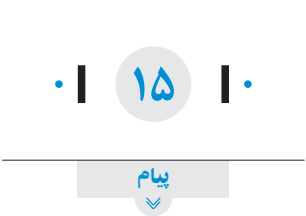
اکنون دیگر آقایان خاتمی، نبوی، کروبی، موسوی و هیچ‌یک از کسانی که در مجلس و دولت بودند، دیگر داعیه برکنشست به قدرت ندارند. نه قصد دارند رئیس‌جمهور شوند و نه وزیر و وکیل، اما داعیه‌ای اصلاح‌کنشور را دارند و خود را در جریان اصلاحات تعریف می‌کنند. اتفاق بسیاری از کسانی که دنبال پست و مقام هستند حال چه در جریان اصلاحات و چه جریان‌های دیگر آدم‌های به درد بخوری نیستند.

**برنامه شما مشخصا چیست؟**

این برمی‌گردد به سازمان‌های سیاسی‌ای که داریم. من اینجا مصاحبه می‌کنم و مطالبات را می‌گویم آن سازمان‌های سیاسی‌ای که هستند آنها باید براساس تشکیلاتی بودن مطالبه‌محور باشند.

کدام سازمان اکنون که سازمان یا حزب قوی و مقتدری وجود ندارد. همین نیمه‌احزاب، رسانه‌ها و… که وجود دارند. به‌هر حال ما هم بدون تشکیلات نیستیم. ما باید از مجلس و دولت آقای روحانی حمایت کنیم، اما حمایت

یکشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۶



**موضع فراکسیون امید امروز اعلام می‌شود**

موضع فراکسیون امید مجلس درباره برنامه‌های پیشنهادی و صلاحیت ۲ وزیر پیشنهادی علوم و نیرو صبح امروز در شورای مرکزی این فراکسیون اعلام خواهد شد. فراکسیون مجلس شورای اسلامی، صبح امروز به منظور بررسی صلاحیت و برنامه‌های ۲ وزیر پیشنهادی علوم و نیرو برگزار می‌شود. به گفته سیدابوالفضل موسوی‌بیوکی عضو فراکسیون امید مجلس قرار است در نشست امروز توضیحات و دفاعیات رضاالدکانبان وزیر پیشنهادی نیرو و منصور غلامی وزیر پیشنهادی علوم جمع‌بندی شده و نهایتا طی پیامی به اعضای فراکسیون مشخص می‌شود.

وی در ادامه اعلام کرد فراکسیون صبح امروز نهایتا مواضع رسمی خود را درباره ۲ وزیر پیشنهادی اعلام خواهد کرد اما در حال حاضر براساس اجماع نظرات اعضا، نظر فراکسیون نسبت به وزیر نیرو مثبت و در رابطه با وزیر پیشنهادی علوم نیز نظرات مختلف است و هنوز در این رابطه به جمع‌بندی مشخصی نرسیده‌ایم. موسوی‌بیوکی همچنین عنوان کرد: فراکسیون در رابطه با رای اعتماد ۱۶ وزیر کابینه درادهم نیز چنین جلسه‌ای برگزار کرده و پس از جمع‌بندی و نظر نهایی فراکسیون، موضع فراکسیون به اعضا اطلاع داده شد که این روال درباره ۲ وزیر پیشنهادی علوم و نیرو هم صدق می‌کند.

موضع فراکسیون در رابطه با رای اعتماد ۱۶ وزیر کابینه درادهم نیز چنین جلسه‌ای برگزار کرده و پس از جمع‌بندی و نظر نهایی فراکسیون، موضع فراکسیون به اعضا اطلاع داده شد که این روال درباره ۲ وزیر پیشنهادی علوم و نیرو هم صدق می‌کند.

موضع فراکسیون در رابطه با رای اعتماد ۱۶ وزیر کابینه درادهم نیز چنین جلسه‌ای برگزار کرده و پس از جمع‌بندی و نظر نهایی فراکسیون، موضع فراکسیون به اعضا اطلاع داده شد که این روال درباره ۲ وزیر پیشنهادی علوم و نیرو هم صدق می‌کند.

## پیام فرمانده سپاه به فرمانده ارتش

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: بی‌تردید وحدت برادرانه ارکان ارتش و سپاه ترکیب مروضی برای شکست دشمنان اسلام و نظام به‌شمار می‌رود. به گزارش تسنیم، محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیامی خطاب به امیر سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران با اظهار خرسندی از کیفیت برگزاری آیین دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران در محضر فرماندهی معظم کل قوا و ستایش از رویش‌های ارزشم آن سازمان تأکید کرد: بی‌تردید وحدت برادرانه ارکان ارتش و سپاه ترکیب مروضی برای شکست دشمنان اسلام و نظام به‌شمار می‌رود.

متن پیام فرمانده کل سپاه به این شرح است: بسم الله الرحمن الرحیم

امیر سرلشکر برادر سید عبدالحجیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران سلام علیکم؛ با احترام و تعزیت مصائب ال‌الله در ماه صفر

خداوند تبارک و تعالی را شاکرم که از زمان انتصاب جنابعالی به فرماندهی کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، اقداماتی مبارک و تعالی‌بخش در حیات طیبه‌ارتش برای ایفای رسالت وحشتی، تدبیر و تجلی یافت. امروز ارتش‌ی به برکت بر خودروداری از فرماندهی مکتبی، انقلابی، فکور و باتقوی، بیش از پیش در مسیر یک تحول بزرگ برای ساخت انقلابی خود قرار گرفته تا هندهس‌های از قدرت برای انقلاب اسلامی و نظام مقدسمان به ازمان آورد که در آن وحدت و برادری در ارتش و سپاه حقیقتا یک ضرورت محسوب می‌شود. بی‌تردید این وحدت، ترکیب مروضی برای شکست دشمنان اسلام و نظام خواهد شد.

خدای بزرگ را سپاسگزاریم که اراده مخلصانه، دلسوزانه و جدی شما در تعمیق وحدت برادرانه ارکان ارتش و سپاه و نیز مدیریت برجسته معنوی و ارزشی آن فرمانده‌فداکار در برگزاری مراسمی متفاوت، دانش‌جویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های آ‌جا در محضر مولی و مقتدایمان حضرت امام‌خانه‌های (مظلله‌العالی) مایه افتخار، سربلندی دلخوشی همگان قرار گرفت.

در پایان ضمن اعلام آمادگی همه‌جانبه سپاه برای همکاری همدلانه و شانه به شانه سپاه با ارتش در تمامی عرصه‌ها و نیز ستایش از این رویش‌های ارزشی، توفیق جنابعالی را در تحقق اوامر فرمانده معظم کل قوا ملاحظه (عالی) از ساحت ربوبی خواستارم.